

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ع. حامی و افزوده پورتال
۲۷ می ۲۰۲۵

رابطه اخلاق و وجدان با طرح قومگرایانه وقایع

در پی باز نشر خبری در برخی رسانه های اجتماعی ، نکاتی قابل تأمل وجود دارد که یادآوری آنها از منظر انصاف،



هشدار:
این ویدیو حاوی صحنه ی دلخراش است که ممکن برای برخی ها آزار دهنده باشد.

محمد امیر توسلی، خلبان پیشین نیروهای هوایی حکومت پیشین، خودش را در ایران آتش زد.

آقای توسلی، پس از تسلیم دادن نظام جمهوری از سوی اشرف غنی به قبیله ی وحشی تروریزم، به ایران پناه برده بود.

اما از سوی حکومت آخوندی ایران که در همکاری و همسوی با تروریزم طالبانی قرار دارند، برگه ی «اخراج» دریافت کرد.

او حاضر نبود زیر سایه ی قبیله ی واپسگرای دوران جهالت زندگی کند، و یا به این گروه وحشی خدمت نماید ترجیح داد خودش را آتش بزند.

22:06

حقیقت جوئی و مسئولیت پذیری اخلاقی ضروری است. متأسفانه در مواردی، باز نشر برخی مطالب بدون دقت در زمینه تاریخی و واقعینهای سیاسی، سبب نشر سوء برداشتهائی می گردد که تبعات اجتماعی و قومی آن نگران کننده است. در این راستا، سه نکته مهم قابل تأمل است:

(۱) نقش ایالات متحده در روند واگذاری نظام جمهوری به طالبان:

واقعیت غیر قابل انکار این است که نظام جمهوری افغانستان در نتیجه توافقات سیاسی میان نماینده ویژه ایالات متحده (زلمی خلیلزاد) و گروه طالبان، عملاً نادیده گرفته شد. دولت اشرف غنی با وجود اعتراضات مکرر، نه تنها از سوی ایالات متحده جدی گرفته نشد، بلکه به طور کامل از شرکت در مذاکرات صلح کنار گذاشته شد. بنابراین، طالبان نه محصول خواست مردم افغانستان یا اشرف غنی (البته در اینجا دفاع از اشرف غنی به هیچ وجه مراد نیست)، بلکه نتیجه تصمیم گیری های ستراتیژیک ایالات متحده بودند.

(۲) موضوع بازگرداندن افراد از ایران به طالبان:

در مورد فردی که در ایران بازداشت و سپس به طالبان تحویل داده می شد، پرسشهای مهمی مطرح می شود. آیا این اقدام، در چارچوب قوانین مهاجرتی و روند اخراج معمول اتباع خارجی صورت گرفته، یا آن که با شناخت قبلی از هویت و فعالیتهای سیاسی وی و به شکل هدفمند، صورت

پذیرفته است؟ شایسته است که در این زمینه، نهادهای حقوق بشری و رسانه های مستقل بررسی دقیقتری انجام دهند و در صورت وجود مستندات، شفافسازی لازم صورت گیرد.

۳) طالبان؛ گروهی ایدئولوژیک یا نماینده قوم خاص؟

طالبان، گروهی مبتنی بر ایدئولوژی افراطی و دیدگاه های خاص مذهبی سیاسی اند، نه نماینده یک قوم. با وجود این که ترکیب قومی این گروه عمدتاً از پشتون ها تشکیل شده، اما نباید این واقعیت، به ابزار ترویج نفرت قومی تبدیل شود. پشتونها همچون سایر اقوام افغانستان، قربانی خشونت و افراط گرایی بوده اند. به عنوان مثال، پس از فرمان بسته شدن مکاتب دخترانه از سوی رهبری طالبان، نخستین واکنشهای اعتراضی در ولایت پکتیا صورت گرفت؛ ولایتی که عمدتاً پشتون نشین است.

بنابراین، نسبت دادن رفتار یک گروه افراطی به یک قوم کامل، نه تنها از منظر اخلاقی و وجدانی مردود است، بلکه به تفرقه و بی اعتمادی ملی دامن می زند. انسان با وجدان و متعهد به حقیقت، نه چنین نسبتی می دهد و نه چنین مطالبی را بدون تأمل بازنشر می کند.

در پایان، امید است که در بازتاب رویدادها، صداقت، دقت و تعهد به همبستگی ملی، معیار قرار گیرد و از هرگونه قضاوت تعمیمی و ناعادلانه پرهیز شود

افزوده پورتال:

با ابراز امتنان از هموطن عزیز ما که پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" را برای رساندن پیام ملی و انسانی شان انتخاب نموده اند، باید بیفزائیم:

۱- ما با خطوط کلی نظرات این هموطن گرامی که حین نگاشتن، نقل قول و یا باز نشر مطالب نه تنها می باید وجدان، اخلاق و صداقت را در نظر داشته بدان پایبند بمانیم و همچنان حرکت دست نشاند و مزدوری مانند طالب را با قوم پشتون یک سان نسازیم؛ نه تنها موافقیم بلکه تاریخ حیات ۱۸ ساله پورتال گواه آن است که خود همیشه جهت تطبیق این اهداف پیشقدم بوده ایم؛

۲- این که نماینده دولت امریکا یعنی "خلیلزاد" و در نتیجه حاکمیت امپریالیسم امریکا در کل، حین انتقال قدرت از لحاظ تئوری اداره مستعمراتی کابل را در نظر نگرفت، به هیچ وجه نه به معنای برائت آن حاکمیت است و نه هم این که آنها واقعاً در این انتقال قدرت، سهم و نقشی نداشته اند، زیرا:

* - اداره مستعمراتی کابل در کل از همان آغاز که "حامد کرزی" با قلاده بردگی امپریالیسم امریکا و شرکاء در زیر رایت ننگین بردگی استعمار گویا "بر ارگ کابل حاکم شد" و به تعقیب آن قلاده بردگی را بر گردن "اشرف غنی احمدزی" انداخت با تمام شرکای سیاسی شان اعم از شورای نظاری ها، گلبدینی ها، وحدتی ها، افغان ملتی ها، سیافی ها، دوستی ها، طیف های مختلف انقیاد طلبان مطرود از پیکر مقدس جنبش انقلابی افغانستان می بایست می فهمیدند که اشغالگران از آنها به منظور آماده سازی و تربیت مجدد نورچشمیهای عزیزش "طالب و طالبیسم" استفاده می نمود و اگر هم نمی دانستند "شکر" خوردند که نخواستند در طی ۲۰ سال فهم و درک شان را ارتقاء داده، به مثابه جاده صاف کن راه سنگلاخی استعمار در افغانستان در کنار اشغالگران قرار نگیرند؛

*- احیای مجدد طالب و طالبیسم از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ آغاز نیافته که بخواهیم تمام روند را از همانجا آغاز نمائیم، بلکه این روند از همان ابتداء گویا "با دلسوزی" های ظاهراً قومی "کرزی" آغاز و در تمام مدت ابعاد گسترده تر یافت چنانچه همسویی "اشرف غنی احمدزی" با طالب در زمان گویا "انتخابات"، سیاست سپردن مناطق جدید به طالب،

مهمان نوازی از افراد ورهبران طالب به وسیله چشم و چراغ "سیا" در وجود "شورای امنیت" و "امنیت ضد ملی" به وسیله "حمدالله محب" و "معصوم ستانکزی" در شهر کابل و ولایات بود؛

*- هرگاه بپذیریم که امپریالیسم امریکا بدون موافقت "اشرف غنی احمدزی" و شرکای خیانتش واقعاً آنها را در روند سپردن حاکمیت به طالب در نظر نگرفت، همان صدای مخالفتی که "اشرف غنی احمدزی" در زمینه بلند نمود، چه وقت و در کجا بود به خصوص در ساحه بین المللی زمانی که "موافقتنامه قطر" در ملل متحد و شورای امنیت آن مطرح شد کجا بود اداره مستعمراتی کابل تا رسماً اعلام کند که آن موافقتنامه مخالف خواست و منافع مردم افغانستان منعقد شده و آن اداره با شدت مخالف آن می باشد؛

*- از همه مهمتر زمانی که در آخرین هفته ها و روز های هجوم طالب بر اقصا نقاط افغانستان، بخشی از اردوی حاکمیت دست نشانده می خواست با طالب مخالفت نماید، مگر این شخص "غنی احمدزی" و مشاور مورد اعتمادش "حمدالله محب" نبودند که به قطعات دستور صادر می نمودند که بدون مقاومت قطعات جنگی شان را به نیروهای طالب تسلیم نمایند، مگر وقایع هرات، بلخ، قندهار و پکتیا مؤید این ادعا نیست؛

* - همچنان روابط پنهان شخص "اشرف غنی احمدزی" و باندش با شبکه "حقانی" و سپردن حاکمیت به آنها ظاهراً زیر نام روابط قومی "غلجائی" مگر در واقع تبعیت از سیاست تفرقه افگنانه اشغالگران در ایجاد کشمکش بین اقوام "غلجائی" و "درانی" اعمالی بودند که "اشرف غنی احمدزی" و باندش حین انتقال قدرت به طالب، وظایف شان را انجام دادند.

هموطن نویسنده و هموطنان گرامی!

اخلاق و وجدان سالم بر ما حکم می نماید که وقتی راجع به گذشته و وقایع تاریخی حرف می زنیم و یا می نویسیم می باید صادقانه و بدون حب و بغض در مورد صحبت نمائیم و بنویسیم. این نکته در تمام موارد صدق می نماید. بر همین مبنا از موضع یک افغان وظیفه داریم بنویسیم:

"اداره مستعمراتی کابل از همان آغاز الی انجام با تمام همکاران و هواداران و طیف های مختلف انقیاد طالبان وظیفه داشتند تا هریک به سهم خود شرایط بازگشت طالب و انتقال قدرت به طالبیسم را فراهم سازند، آنها در هر موقعیت، مقام و موضعی که قرار داشتند، فعالانه و موفقانه کارشان را انجام داده به مثابه نوکران و غلامان حلقه به گوش اشغالگران، بازگشت طالب را به قدرت فراهم نمودند." - تاریخ به نیت افراد کاری ندارد، نتایج اعمال شان را می بیند.

۳- و اما به ارتباط باز نشر و تکثیر نشرات مغرضانه دشمنان و احتمالاً دوستان نادان.

ما با شما موافقیم که وقتی یک خبر را باز نشر می نمائیم نه تنها می باید در قسمت صحت و سقم آن خود را مطمئن بسازیم، بلکه در اساس این نکته را نیز در نظر بگیریم که نشر آن خبر چه منفعتی برای افغانستان غرقه در خون و بر زمین افتاده دارد و نشر آن تا چه اندازه می تواند راه رهایی کشور و مردم ما را از مصیبت کنونی طالبیسم هموار و بهتر سازد.

۴- سر انجام بعد از حدود نیم قرن آوارگی و پناهجویی می بایست تاحال می فهمیدیم که هیچ یک از کشور های دور و نزدیک از صمیم قلب طرفدار حرکات آزادیخواهانه، میهنپرستانه، دموکراتیک و ترقیخواهانه ما نیستند تا وقتی با تقاضای پناهندگی از جانب ما رو به رو می شوند، به حکم وجدان و اخلاق ما را در آغوش گیرند بلکه همه آنها بدون استثناء با در نظر داشت منافع ملی، منطقه ئی و سیاسی خودشان در مورد پذیرش پناهجویی ما و یا رد آن تصمیم گرفته و بعد از این هم می گیرند.

در این میان حاکمیت های مسلط بر ایران و پاکستان از آن دو کشور بدترین همسایگان و دشمنان واقعی مردم ما را ساخته اند. تاریخ حدود نیم قرن اخیر بارها نشان داده است که دشمنی آنها با مردم ما به خصوص نیروهای آگاه و مبارز میهن ما ده ها بار به قتل های فجیع هموطنان چیز فهم ما انجامیده است. آنها در این کشتار ها هرچند خود هیچ گونه تمایز بین تعلقات قومی، زبانی و مذهبی قایل نشده اند و هر افغانی را که خواسته اند به قتل رسانیده یا رد مرز نموده اند، مگر در ظاهر بر آن لباس قومی و مذهبی پوشانده اند تا ضمن جنایت استخوان شکنی قومی، مذهبی و زبانی را نیز در کشور ما ایجاد و تشدید نمایند. بر ماست که وقتی با عملکرد آنها مواجه می شویم به جای دویدن به دنبال اهداف آنها، ماهیت ضد ملی و ضد انسانی و ضد دموکراتیک خودشان را مورد حمله قرار داده افشاء نمائیم و بدان وسیله اگر در نجات جان هموطن ناکام هم مانده باشیم در خنثی نمودن توطئه دشمنان مردم و میهن موفق عمل نمائیم.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"